

کثرت و تنوع قابل مقایسه با ادوار پیش و پس از خود نمی‌باشد، و در ضرورت پرداختن به آن همین بس که جز برخی تک‌نگاریهای پراکنده که بیشتر به صورت خاطره است یا در ضمن بیان وقایع یا در حاشیه شرح حال برخی از رجال و شخصیتها نگارش یافته، تاکنون کمتر تحلیل جامع و مدوئی از احزاب سیاسی ایران در دوره مورد نظر شده است.

در این مقال، برای پرهیز از اطاله بحث، سعی بر آن بوده که در هر دوره قانون‌گذاری، (مجالس ۱۳ تا ۱۷) به بررسی پیرامون مهمترین احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی پرداخته شود و در احزاب کم اهمیت تر فقط به ذکر نام بسنده گردد.

مقدمه:

بخش اعظم جریان‌های سیاسی و حرکتهای حزبی در چهار دوره تحزب، و تقریباً در همه گروهها و تشکیلات مخفی مسلحانه در سالهای دیکتاتوری و رکود احزاب، بر پایه سه جریان فکری عمده مطرح در جامعه ایران یعنی اندیشه‌های چپ،^۲ ناسیونالیستی و اسلامی استوار بوده است.

جریان فکری چپ، در عصر مشروطه و در پیوند مشروطه‌خواهان و مبارزان ایرانی با انقلابیون قفقاز نضج گرفت؛ جریان ناسیونالیستی به عنوان تبلور آرمانهای ملی و میهنی برخاسته از تحولات داخلی اروپا در قرون اخیر و نشأت گرفته از انقلابها و مبارزات سیاسی و اجتماعی غرب بود که قبل از انقلاب مشروطه و پیش از ظهور اندیشه‌های چپ در ایران باب شد و محور فعالیت‌های مشروطه‌طلبان و مصلحان عصر قاجار و ادوار بعدی در تاریخ معاصر ایران قرار گرفت. حرکت اسلامی نیز با تنش میان دولت و علما در دوره قاجار و اعتراض روحانیان به تغییر نظام آموزشی، اداری، قضایی، اصلاحات به شیوه غرب، مداخله بیگانگان، واگذاری امتیازات به بیگانه، مخالفت با بدعتها و حرکتهای ملهم از باب و محدود شدن قدرت و اختیارات روحانیت آغاز شد.

حزب به معنی تشکلی سیاسی، در ایران همانند بسیاری از جوامع بشری پیشینه‌ای طولانی و تاریخی دارد. این تشکلهای ماندگار سر به داران، فدائیان اسماعیلی و... وجهه‌ای نظامی داشته‌اند یا چون اخوان الصفا و... به صورت یک تجمع سیاسی-فرهنگی متبلور شده‌اند؛ اما در واقع سابقه تحزب در ایران، به شکل مشخص کنونی و در چارچوب تعاریف مرسوم از احزاب سیاسی، به یک قرن نمی‌رسد و به عبارتی به عصر مشروطه یا کمی پیش از آن - به اواخر دوره ناصری و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه قاجار - بازمی‌گردد.

برای این که در بررسی احزاب سیاسی معاصر ایران، کرنولوژی تاریخی رعایت، و از پراکندگی مطلب جلوگیری شود، باید تقسیم‌بندی خاصی را مدنظر قرار داد، از جمله این که بر اساس مراحل چهارگانه مشروطیت (مرحله نخست: ۱۳۰۴-۱۲۸۵؛ مرحله دوم: ۱۳۲۰-۱۳۰۴؛ مرحله سوم: ۱۳۳۲-۱۳۲۰؛ مرحله چهارم: ۱۳۵۷-۱۳۳۲)، ادوار تحزب در ایران را نیز به چهار دوره تقسیم کرد و آن گاه به سهولت به بحث پیرامون احزاب در دوره مورد نظر پرداخت. بر اساس این تقسیم‌بندی، ادوار تحزب در ایران عبارت خواهد بود از: دوره نخست تحزب یا ابتدای دوره مشروطه تا استقرار حاکمیت رضا پهلوی^۱ - دوره دوم یا سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ - دوره سوم یا سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ و دوره چهارم: سالهای ۵۷ تا...

در میان دوره‌های مذکور، دوره دوم تحزب، (دهه ۲۰) اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا در این دوره که مقارن دوره‌های سیزدهم تا هفدهم قانون‌گذاری است، به علت پاره‌ای جریانها و به وجود آمدن شرایط خاص در فضای سیاسی - اجتماعی کشور، در حقیقت شاهد پیدایش بیشترین احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران هستیم، به گونه‌ای که این دوره تحزب، از نظر

تحزب در دهه ۲۰؛ فصلی متفاوت در تاریخ احزاب سیاسی معاصر ایران

از: کیوان لؤلوی

- دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

شهریور ۱۳۲۰:

با حمله نیروهای دول متفق به ایران در سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال کشور از سوی ایشان،^۲ تحولات مهمی در ایران رقم خورد و چهره جامعه دگرگون شد. متفقین در نخستین اقدام، خواستار کناره‌گیری رضاشاه شدند و شاه قدر قدرت - که ۱۶ سال با اقتدار تمام بر کشور و ارکان آن حکم رانده بود - مجبور به استعفا شد.^۳ غیبت یکباره یگانه‌فردی که همه امور کشور را در يد قدرت خویش داشت، باعث شد که شیرازه امور از هم گسیخته و جامعه، یله و رها شود.

در صحنه سیاسی، سقوط دیکتاتوری، به معنی از میان رفتن سایه اختناق و استبداد و وزش نسیم آزادی در صحنه‌های گوناگون محسوب می‌شد. در نخستین گام، با باز شدن درهای زندان‌ها، زندانیان سیاسی از بندرها شدند؛ قلم‌ها به کار افتاد؛ شر سانسور از سر مطبوعات کم شد و مطبوعات که دیگر اجباری به مدیحه‌سرایی صرف نداشتند، بار دیگر فعالیت خود را آغاز کردند و بازارشان رونق گرفت.

در چنین فضایی، روشنفکران و مبارزان جامعه، به منظور کسب حقوق غصب‌شده و حفظ آزادی‌های به دست آمده، و با هدف هدایت جامعه، به ایجاد تشکلهای مختلف صنفی و سیاسی اقدام کردند و روی هم رفته گروه‌های مطبوعاتی و پارلمانی متعددی در کشور به فعالیت پرداخت و بدین سان به دنبال يك وقفه حدوداً ۲۰ ساله در فعالیت‌های سیاسی و حزبی،^۵ در مدت کوتاهی شمار زیادی حزب، جمعیت، انجمن، اتحادیه، گروه و... در ایران پا به عرصه وجود گذاشت و به عبارتی دومین دوره حیات احزاب و تشکلهای سیاسی در کشور آغاز شد.

این فضا تا مرداد ماه ۱۳۳۲ ادامه داشت و جامعه ما در يك روند دوازده ساله به تمرین دموکراسی پرداخت. فضایی که برخلاف پایان تاریکش - که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رقم

خورد - ثمرات درخشانی نیز به بار آورد، از جمله ملی شدن صنعت نفت و مبارزات استعمارستیزانه ملت ایران که به‌الگویی برای مبارزات ضد استعماری در جهان سوم مبدل شد.

تقریباً منشأ همه احزاب و نیروهای سیاسی ایران در این دوره و پس از آن را در سطح وسیع اندیشه‌های سیاسی و حزبی عصر مشروطه تشکیل می‌دهد. در این دوره، یعنی از آغاز دهه ۲۰ تا سال ۱۳۳۲، شاهد پیدایش بیشترین احزاب و جمعیت‌های سیاسی هستیم، به گونه‌ای که کثرت و تنوع احزاب در این دوره نه پیش و نه حتی پس از آن دیده نشد.

احزابی که در این دوره در صحنه سیاسی ایران ظاهر شدند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروه نخست احزابی بودند که عمری نسبتاً کوتاه داشتند و تنها اوضاع آشفته آن زمان به حضور مقطعی ایشان در جامعه کمک کرد (از جمله: حزب اراده ملی، اتحاد ملی، سوسیالیست ملی کشور ایران (سومکا) و...); دسته دوم احزابی بودند که به دلیل داشتن تشکیلات نسبتاً منسجم و نیرومند، سالهای بیایی حتی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز به فعالیت ادامه دادند (از جمله: حزب توده، ایران و...). همچنین، احزاب دوره مورد بحث بنا به شرایط خاص به یکی از قطبهای سیاسی متمایل بودند، بدین جهت به دو جناح چپ و راست تقسیم می‌شوند که در رده بندی، آنها را با عنوان احزاب چپ‌گرا و راست‌گرا می‌شناسند.

الف) مجلس سیزدهم و مهمترین احزاب سیاسی:

تاریخ رسمیت یافتن مجلس سیزدهم، اول آذرماه ۱۳۲۰ بود. چنان‌که می‌دانیم، پس از خروج رضاشاه از ایران چند فراکسیون در مجلس دوازدهم تشکیل شد و این فراکسیون‌ها برای این که در پیشبرد اهداف سیاسی خویش از نیروی مردمی نیز برخوردار شوند، به تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی پرداختند و چون چیزی به پایان دوره دوازدهم مجلس نمانده بود،

● سابقه تحزب در ایران، به شکل مشخص کنونی و در چارچوب تعاریف مرسوم از احزاب سیاسی، به يك سده نمی‌رسد و به اواخر دوره ناصری و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه بازمی‌گردد.

لذا فعالیت پارلمانی این احزاب عملاً از دوره سیزدهم مورد توجه قرار گرفت. مهمترین این احزاب عبارت بودند از:

۱- حزب توده: در میان احزاب و تشکلهای سیاسی دهه ۲۰، بی گمان حزب توده نیرومندترین و سازمان یافته ترین نیروی حزبی ایران بود که تا مدتی بدون رقیب در عرصه سیاست کشور پیش رفت. این حزب تنها حزبی بود که از آغاز دهه ۲۰ تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، در طول بیش از ۴۰ سال، به شکلهای مختلف - مخفی یا علنی و در داخل یا خارج از ایران - تداوم و حضوری محسوس داشت و شاید بتوان به گفته خود ایشان استناد کرد که حتی حزب سازی های قوام و محمدرضا شاه پیش و پس از کودتای ۱۳۳۲، در رقابت با این حزب و گاه با الگوبرداری از آن بوده است.^۷

پس از سقوط رضاشاه و صدور فرمان عفو عمومی زندانیان سیاسی، از جمله کسانی که آزاد شدند، ۵۲ نفر از هواخواهان و اعضای اصلی حزب کمونیست بودند. تعدادی از آنها پس از آزادی بر آن شدند که هر چه زودتر «حزب کمونیست» را به وجود آورند، زیرا خطر آلمان بسیار جدی بود، بویژه این که ارتش آن کشور به پشت دروازه های مسکو رسیده بود، و آنها وظیفه خود می دانستند که در اسرع وقت حکومت را به دست گیرند.^۸ اما تشکیل حزب کمونیست در ایران آن هم در این زمان که کشور در اشغال نظامی متفقین بود، بدون اجازه «مقامات بین المللی» نمی توانست عملی شود. بنابراین در پی تماسهای افرادی چون «رضاروستا» و «سید جعفر پیشه‌وری» با مقامات شوروی، تصمیم کمیسیون مبنی بر «تشکیل یک حزب کمونیستی با پوشش ملی» اعلام شد.^۹ در این زمان منافع مشترک انگلیس و شوروی باعث شد که انگلیس نیز تأسیس حزب جدید را مورد تأیید قرار دهد.^{۱۰} بدین ترتیب، حزب جدید با نام «حزب توده» در هفتم مهر ماه ۱۳۲۰ به وجود آمد.^{۱۱} مؤسسان حزب مذکور یک هیأت ۱۵ نفری را بانام «کمیته

موقت» انتخاب کردند و «سلیمان میرزا اسکندری» را که ظاهراً «شخصیتی ملی و غیر کمونیست» و «مسلمان معتقد و مراعی موازین عبادت» بود، در رأس این کمیته قرار دادند.^{۱۲} بدین سان روسها بنا به شرایط حاکم بر جهان آن روز و نیز با توجه به تجربه شکست حزب کمونیست ایران و جلب توجه و رضایت انگلیس و آمریکا در چارچوب سیاست «جبهه واحد ضد فاشیستی»، آن هم در زمانی که خطر تهدید آلمان جدی بود، این سیاست را در پیش گرفتند.^{۱۳} و بدین گونه، حزب توده از آغاز از پشتیبانی و حمایت شوروی برخوردار شد.

مرامنامه و برنامه توده ایها در چارچوب یک حزب «ملی و دموکراتیک» تنظیم شده بود. در مقدمه آن صریحاً حمایت از «سلطنت مشروطه» و قانون اساسی مطرح گردیده و نیز تأکید شده بود که این حزب ائتلافی است جامع از طبقات مختلف اجتماعی که خواهان اصلاحات اداری و سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می باشد.^{۱۴} وابستگی طبقاتی حزب توده در آغاز حد و مرز روشنی نداشت. روزنامه سیاست در این زمینه چنین نوشت: «مقصود از توده ایران که گفته می شود، توجه به یک قسمت از مردم این مملکت نیست. هر کسی که در این سرزمین طرفدار آزادی فکر و عقیده بود، به مملکت و سعادت اهالی آن علاقه مند باشد، برای تخفیف رنج بدبختان قدم بردارد و برای زیردستان در اجتماع همان حقوقی را که قانون به آنها اعطا کرده است بشناسد، خدمتگزار را در هر لباسی که هست تقدیر کند و جنایتکار را در هر مقامی که هست از خود براند و به دست عدالت بسپارد، ما از خود می دانیم.»^{۱۵} لیکن دو سال بعد، این حزب موقعیت طبقاتی خود را آشکار نمود و اعلام کرد: «حزب توده ایران مجموعه ای از چهار طبقه است: (کارگران، دهقانان، روشنفکران، پیشه‌وران) و منافع این چهار طبقه را نیز در مرامنامه خود گنجانیده است.»^{۱۶} همچنین اعلام داشت که مبارزه با سرمایه داری آشتی ناپذیر است. گفتنی است این حزب به مجلس سیزدهم

● بخش اعظم جریانه های سیاسی و حرکت های حزبی از آغاز دوره مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی، بر پایه سه جریان عمده فکری مطرح در جامعه ایران یعنی اندیشه های چپ، ملت گرا و اسلامی استوار بوده است.

● تقریباً منشأ همه

احزاب و نیروهای سیاسی ایران در دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ و سالهای پس از آن را اندیشه‌های سیاسی و حزبی عصر مشروطه تشکیل می‌داد.

سال ۱۳۲۱ «کانون مهندسين ايران»^{۲۲} را تشكيل دادند. در حقيقت هسته اصلی حزب ايران، همين کانون مهندسين می‌باشد که در ابتدا يك اجتماع اداری - صنفی بود، اما مدتی بعد به سازمان سياسي گروهی تحصيل کرده تبديل شد و از آن «حزب ايران» به وجود آمد که اکثر رهبران اولیه آن را گردانندگان کانون تشكيل می‌دادند و «احمد زيرک‌زاده» سمت دبيرکلی حزب را داشت. اين حزب «تمایلات ليبرالی و سوسيال دموکراتیک» داشت، و هرچند از آن‌جا که مخالف ديکتاتوری و سلطه بیگانه و فساد دستگاه اداری بود، عده قابل توجهی از ملیون و حتی افراد مذهبی را به خود جلب کرد، اما در واقع حزبی توده‌ای و مردمی نبود.^{۲۳}

«اللهيار صالح»، شخصيت برجسته حزب ايران، «به انکاء شخصيت و خوش‌نامی و سوابق سياسي»^{۲۴} خیلی زود در حزب جا افتاد و به رهبری آن انتخاب گردید. شعارهای این حزب بیانگر کامل طرز تفکر بنیان‌گذاران آن بود که می‌گفتند: «با جهل اکثریت و فساد اقلیت مبارزه کنید»^{۲۵} و نیز می‌گفتند: «برای ایران، با فکر ایرانی، به دست ایرانی».^{۲۶} خط‌مشی حزب ایران برای کسب قدرت سياسي و کوشش در جهت تصاحب مشاغل مهم مملکتی و ارائه طرح امکان انجام اصلاحات از طریق نفوذ به‌داخل نظام سياسي، موجب شد که بسیاری از اعضای این حزب به مناصب مختلف در ادارات و نهادهای دولتی دست یابند. در این میان، عده‌ای نیز تنها برای رسیدن به همين مقامات اداری به حزب ايران رو کردند.^{۲۷}

حزب ايران برخلاف ديگر احزاب راستگرا و ملی، به علت داشتن اندیشه‌های ليبرال و آزادی‌خواهانه، با حزب توده برخوردی مسالمت‌آمیز داشت. حتی در پاره‌ای موارد با آن همکاری می‌کرد. نورالدین کیانوری در خاطرات خود در این مورد می‌نویسد: «... مناسبات شخصی بسیاری از رهبران حزب توده با رهبران حزب ايران مناسبات بدی نبود. از لحاظ سياسي

راه نیافت، اما مطبوعات را به راه انداخت.^{۲۷} برخی از آنها عبارت بودند از: مردم (نامه مردم) - مردم آدینه - مجله ماهانه مردم - رهبر - سياست - شهباز - دنا - به سوی آینده و ...

در تیرماه ۱۳۲۵ به ابتکار حزب توده، جبهه مؤتلف احزاب آزادی‌خواه از ائتلاف حزب توده ایران و حزب ايران ایجاد شد و در آبان همان سال احزاب دموکرات آذربایجان، دموکرات کردستان،^{۱۸} سوسیالیست و جنگل (اجتماعیون) نیز به آن پیوستند.^{۱۹} چندی بعد در انتخابات مجلس چهاردهم که نیروها و جناح‌های گوناگون برای به دست آوردن کرسیهای بیشتر به رقابت پرداختند، حزب توده موفق شد با هشت نفر از نمایندگان خود به مجلس راه یابد. این افراد در مجلس «فراکسیون توده» را به وجود آوردند. در همين دوره بود که شوروی تقاضای امتیاز بهره‌برداری از منابع نفت شمال را کرد و دکتر محمد مصدق سياست «موازنه منفی» را مطرح نمود، ولی نمایندگان حزب توده از واگذاری امتیاز پشتیبانی کردند. سرانجام در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۷ که به محمدرضا پهلوی در دانشگاه تهران از طرف «ناصر فخر آرائی» تیراندازی شد و پس از نخستین بازرسی‌ها اعلام گردید که وی وابسته به سازمان حزب توده می‌باشد، دولت بلافاصله حزب مزبور را غیرقانونی اعلام و عضویت در آن را جرم تلقی کرد؛ کلوپهای حزب در سراسر ايران اشغال شد، روزنامه‌های آن توقیف گردید، و عده‌ای از رهبران آن در دادگاه نظامی محاکمه و به حبس یا اعدام محکوم شدند.^{۲۰}

۲- حزب ايران: در تاريخ معاصر ايران، به‌دنبال خلع رضاشاه، حزب ايران پس از حزب توده، در حقيقت نخستين حزب سازمان‌یافته‌ای بود که در اسفند ماه ۱۳۲۲ تشكيل شد. این حزب را می‌توان در ردیف احزاب راستگرا به‌شمار آورد.

همزمان با انتخابات مجلس چهاردهم، عده‌ای از جوانان تحصيل کرده که بسیاری از ایشان استاد دانشکده‌های حقوق و فنی بودند، گرد آمدند و در

هم مواضع آنها را منفی تشخیص نمی‌دادیم و با هم تلاش و همکاری می‌کردیم».^{۲۸}

در اوایل تیرماه ۱۳۲۵ دو حزب توده و ایران پس از انجام مذاکراتی، جبهه‌ای به نام «جبهه مؤتلف احزاب آزادی‌خواه» تشکیل دادند. سپس اهداف خود را طی اعلامیه‌ای به اطلاع عموم رساندند. در این ائتلاف، حزب دموکرات ایران و فرقه دموکرات آذربایجان نیز شرکت داشتند.

پس از «غائله پیشه‌سوری» در آذربایجان، قوام‌السلطنه نخست‌وزیر شد. وی برای «مقابله با فشارهای سیاسی - نظامی دولت اتحاد شوروی»^{۲۹} و برای پیشبرد مقاصد خویش، در صدد تشکیل کابینه ائتلافی برآمد و از احزاب توده و ایران دعوت به همکاری نمود و هر دو حزب با درخواست قوام‌السلطنه برای شرکت در کابینه ائتلافی موافقت کردند. حزب توده سه وزیر و حزب ایران یک وزیر (اللهیار صالح، وزیر دادگستری) در دولت داشتند، لیکن این ائتلاف دیری نپایید زیرا به محض شکست فرقه (حزب) دموکرات آذربایجان کابینه مزبور از هم پاشید.^{۳۰}

گفتنی است که حزب ایران در مخالفت با قرارداد گس - گلشائیان،^{۳۱} در روزهای پایانی عمر مجلس پانزدهم نقش مؤثری بازی کرد. همچنین در تحصن دکتر محمد مصدق و همراهانش در دربار^{۳۲} - به نشانه اعتراض به آزاد نبودن انتخابات مجلس شانزدهم - شرکت داشت؛ مدتی بعد در سازماندهی «جبهه ملی» شرکت کرد و در کابینه‌های اول و دوم دکتر مصدق تئو چند از رهبران حزب مذکور عضویت داشتند. در این دوره اعضای حزب ایران بیشتر مقامات حساس و کلیدی کشور را در اختیار گرفته بودند به گونه‌ای که این حزب به «بنگاه کارگشایی» معروف شد. این مسأله به موقعیت و مقام حزب که خدمات ارزنده‌ای، بخصوص در اوایل دوران ملی شدن صنعت نفت انجام داده بود، آسیب رساند، تا جایی که به‌عنوان یکی از مسببان شکست نهضت شناخته شد.^{۳۳} حزب ایران در اصل یک حزب ملت‌گرا بود. اغلب رهبران و کادرهای بالای آن

تحصیل‌کردگان اروپا و آمریکا و نمونه بارز این عده «اللهیار صالح»، «کریم سنجابی» و «کاظم حسیبی» بودند. از سوی دیگر، این حزب در دورانی کار خود را آغاز کرد که احزاب و گروههای فعال معمولاً به یکی از قدرتهای شرق یا غرب وابسته بودند، از جمله حزب توده به شوروی و هیأت حاکمه و نخبگان سیاسی به غرب (بویژه به انگلیس) وابستگی داشتند. در چنین شرایطی حزب ایران گرایشهای آمریکایی داشت. بی‌علت نبود که سران حزب ایران «اصل چهار»^{۳۴} دکتترین ترومن را بعنوان کمک بزرگ ایالات متحده به کشورهای عقب مانده مورد تأیید قرار دادند.^{۳۴} بر همین اساس کمیته مرکزی حزب ایران در اوایل سال ۱۳۳۵ «دکتترین آیزنهاور» را نیز تأیید کرد.^{۳۵} این حزب بعداً همزمان با شکل‌گیری نهضت ملی ایران به صورت یکی از احزاب اصلی جبهه ملی درآمد و رهبران آن در شمار فعالان این جبهه بودند. در این میان، زیرک‌زاده، جزایری، مکی، خلعتبری و سنجابی از جمله بنیان‌گذاران جبهه ملی ایران می‌باشند.^{۳۶}

دیگر احزاب کم‌اهمیت‌تر در این دوره عبارت بودند از: حزب اراده ملی، حزب عدالت،^{۳۷} حزب کبود، حزب پیکار، حزب رادیکال، حزب سوسیالیست، حزب رستاخیز، حزب وطن، حزب اتحاد ملی و حزب استقلال.

(ب) مجلس چهاردهم و مهمترین احزاب سیاسی:

آغاز کار مجلس چهاردهم در پائیز ۱۳۲۴ بود.^{۳۸} در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، غیر از احزابی که پس از شهریور ۲۰ فعالیت داشتند، احزاب دیگری نیز خاصه در جریان «غائله آذربایجان» و پس از پایان دوره مجلس چهاردهم به وجود آمدند. مهمترین این حزبها بعنوان دومین دسته احزابی که پس از شهریور ۱۳۲۰ سربر آوردند و تأسیس آنها از سال ۱۳۲۴ شروع شد عبارت بودند از:

۱- فرقه دموکرات آذربایجان: زمانی که نواحی شمالی ایران در اشغال نیروهای اتحاد

● به هنگام اشغال خاک

ایران از سوی نیروهای متفقین، در پی تماسهای افرادی چون رضاروستا و سید جعفر پیشه‌سوری با مقامات شوروی، تشکیل يك حزب کمونیستی با پوشش ملی اعلام شد و حزب توده در هفتم مهر ماه ۱۳۲۰ به وجود آمد. منافع مشترك انگلیس و شوروی در آن زمان سبب شد که انگلستان نیز برپایی حزب توده را مورد تأیید قرار دهد.

● **حزب ایران حزبی راستگرا و ملی بود که بیشتر رهبرانش گرایشهای لیبرالی و سوسیال دموکراتیک داشتند. برجسته‌ترین شعارهای این حزب چنین بود: «مبارزه با جهل اکثریت و فساد اقلیت» و «برای ایران، با فکر ایرانی، به دست ایرانی».**

«سیدعبدالحسین واحدی»، «سیدمحمد واحدی» و «سیدحسین واحدی» تأسیس شد. سیدمجتبی که در نجف تحصیل می‌کرد، در پی گسترش تبلیغات پاکدینی احمد کسروی، به منظور مبارزه با افکار و عقاید او به ایران آمد. این جمعیت در سال ۱۳۲۵ تظاهراتی در مخالفت با دستگیری آیت‌ا... کاشانی انجام داد و این، در واقع آغاز فعالیت فدائیان اسلام در صحنه سیاست بود. گفتنی است که این جمعیت به‌هنگام تأسیس جبهه ملی ایران، یکی از گروههای تشکیل‌دهنده این جبهه بود. از مهمترین فعالیت‌های جمعیت فدائیان اسلام می‌توان به قتل احمد کسروی (۲۰ اسفند ۱۳۲۴)، قتل هژیر وزیر دربار (۱۳ آبان ۱۳۲۸)، و ترور رزم‌آرا نخست‌وزیر (۱۶ اسفند ۱۳۲۹) اشاره کرد. سرانجام نواب صفوی در اول آذرماه ۱۳۳۴ دستگیر و در ۲۷ دی ماه همان سال تیرباران شد.^{۴۳}

از احزاب کم‌اهمیت‌تر در این دوره می‌توان به «جمعیت سوسیالیست توده ایران» اشاره کرد.

ت) مجلس شانزدهم و مهمترین احزاب سیاسی:

سال ۱۳۲۹ مقارن بود با شروع کار مجلس شانزدهم. پس از پایان دوره پانزدهم مجلس شورای ملی و خاصه در جریان انتخابات دوره شانزدهم، احزاب و جمعیت‌های تازه‌ای به وجود آمدند که برخی از آنها عمری بسیار کوتاه داشتند. مهمترین احزاب در این دوره عبارت بودند از:

۱- حزب زحمتکشان ملت ایران: این حزب در ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰، دو هفته پس از آغاز نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و مقارن شروع مجلس شانزدهم، از ائتلاف «دکتر مظفر بقائی کرمانی» و «خلیل ملکی» پدید آمد. حزب زحمتکشان پیش از تشکیل، در روزنامه شاهد، اهداف مبارزاتی خود را زیر عنوان: «ما برای راستی و آزادی قیام کرده‌ایم»^{۴۴} چنین بیان کرد: - نظارت دقیق در اجرای بدون تبعیض قوانین موجود و مبارزه با هر قانون‌شکنی.

شوروی بود و حزب توده در سراسر آذربایجان فعالیت می‌کرد، با صلاح‌دید دولت شوروی و مساعدت مادی و معنوی آن، «فرقه دموکرات» در آذربایجان به‌ریاست «سید جعفر پیشه‌وری» تشکیل شد.^{۳۹} پیشه‌وری از اعضای کمونیست گروه «پنجاه و سه نفر» زندانی در زمان رضاشاه بود. وی پس از مذاکرات و مکاتباتی، سرانجام در نیمه اول مرداد ماه ۱۳۲۴، اداره روزنامه آژیر را به دوستانش واگذار کرد و خود به تبریز رفت و «فرقه دموکرات آذربایجان» را تشکیل داد.^{۴۰} فرقه دموکرات طی بیانیه‌ای از آزادی داخلی آذربایجان و «مختاریت مدنی» آن سخن گفت و تدریس زبان آذربایجانی را همراه با زبان فارسی پیشنهاد نمود.^{۴۱} این فرقه یک سال تمام حکومت آذربایجان را در دست داشت تا اینکه با خروج نیروهای شوروی، بالاخره در ۲۱ آذرماه ۱۳۲۵ ارتش ایران وارد آذربایجان شد و پیشه‌وری و دیگر رهبران فرقه به شوروی گریختند. چندی بعد پیشه‌وری در یکی از شهرهای آذربایجان شوروی در صحنه یک تصادف ساختگی زخم برداشت و در یکی از بیمارستانهای همان شهر درگذشت.^{۴۲}

دیگر احزاب کم‌اهمیت‌تر در این دوره عبارت بودند از: حزب ایران نو - حزب دموکرات ایران - اتحادیه اسکی.

پ) مجلس پانزدهم و مهمترین احزاب سیاسی:

پانزدهمین دوره مجلس پس از یک فترت یکسال و چهارماهه، در ۲۵ تیرماه ۱۳۲۶ افتتاح شد و در ۶ مرداد ماه همان سال رسمیت یافت. شمار احزاب و گروههای تازه تأسیس در دوره پانزدهم مجلس نسبت به دیگر ادوار آن پس از شهریور ۱۳۲۰، اندک بود و یکی - دو حزب یا جمعیت جدید تشکیل شد که مهمترین آنها عبارت بودند از:

جمعیت فدائیان اسلام: این جمعیت در اوایل سال ۱۳۲۴ به رهبری «سیدمجتبی میرلوحی» (نواب صفوی) از اهالی درجه اصفهان با همکاری

- مجاهدت در حفظ و استیفای حقوق و منافع ایران، دفاع از حیثیت ملی و تاریخی ایران در کلیه مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی با تمام ممالک خارجی بدون واهمه از قدرت و اهمیت آنها.

- تأمین حقوق و مزایای مشروح در اعلامیه جدید حقوق بشر که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است برای عموم طبقات ملت ایران.

رهبری این حزب را «دکتر مظفر بقائی کرمانی» که (پس از مصدق) نماینده دوم تهران در مجلس بود، بر عهده داشت. وی بعنوان یکی از متحصنان به دربار در اعتراض به انتخابات مجلس شانزدهم، در شمار بنیان گذاران جبهه ملی نیز بود و حزب او یکی از احزاب تشکیل دهنده این جبهه محسوب می شد. حزب زحمتکشان در حقیقت با هدف حمایت از نهضت ملی ایران و گرد آوردن نیروهای پراکنده مدافع نهضت و ایجاد تشکلی در برابر حزب توده ایجاد شد. این حزب از همان آغاز به دو جناح تقسیم گردید که هر یک نقش و وظیفه‌ای بر عهده داشتند: جناح مظفر بقائی به فعالیتهای سیاسی و پارلمانی حزب مشغول شد و جناح ملکی به تشکیلات، آموزش و انتشارات پرداخت. چندی نگذشت که این حزب گرفتار تفرقه شد؛ ملکی و عده زیادی از دوستان وی از حزب زحمتکشان انشعاب کردند و حزب «نیروی سوم» را ایجاد نمودند. حزب زحمتکشان بقائی نیز به مخالفت با دکتر مصدق و نهضت ملی پرداخت! و در زمینه سازی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، با دیگر مخالفان مصدق همگام شد. پس از کودتا، این حزب در ادوار و مقاطع گوناگون، چندبار با همین نام یا با نام «جمعیت پاسداران آزادی» به فعالیت پرداخت.

۲- جبهه ملی: فعالیتهای این تشکل که بیشتر یک جبهه سیاسی بود تا یک حزب، بزرگترین اثر را بر جریانهای سیاسی کشور گذاشت و هم این جبهه بود که با دست خالی به رویارویی با انگلستان استعمارگر پرداخت و به اراده ملت، پشت آن را به

خاک مالید. دکتر محمد مصدق بعنوان یکی از رهبران این جبهه و فعالیتهای او در کنار آیت... کاشانی برای ملی کردن صنعت نفت ایران بر همگان آشکار و بایسته بحثی مفصل و مستقل است.

علل ضعف جبهه ملی:

در بینش مصدق از یک سیاست مطلوب، گرایشهای ایدئولوژیک آشکاری به چشم می خورد و در ضمن نشانه‌هایی از انتظار نابودی و شکست نیز دیده می شد. در واقع دیدگاه سیاسی او یک سیستم عقیدتی پیوسته را تشکیل نمی داد و فاقد خط مشی ایدئولوژیک منسجم و تفصیلی برای راهنمایی و تنظیم فعالیتهای هوادارانش بود. سیاست مصدق بیش از هر چیز سیاست شور و اعتقاد و خودجوشی بود تا سیاست ایدئولوژیک. این خود، هم منبع قدرت و هم مایه ضعف آن به شمار می رفت.

از سویی این امکان وجود نداشت که احکام مطلق یا یک سلسله اصول و قواعد بی چون و چرا به منظور مشروعیت بخشیدن به نوعی استبداد اخلاقی و توجیه سرکوب مخالف‌خوانی‌ها و دیگر اقدامات سرکوب گرانه مطرح گردد، و از طرف دیگر اهداف او و بویژه ابزارها و شیوه‌های حصول به آن به گونه‌ای منظم مشخص نشده بود. در نتیجه مسأله حیاتی چگونگی حفظ و استمرار حاکمیت ملی که در وجود نهادی برخاسته از خواسته‌های مردم متجلی شده باشد، کاملاً روشن نشد. فقدان یک برنامه منظم و روشن، محظورهای ناشی از یک ذهن صرفاً قانون‌گرا، لایه‌ای از اعتقادات لیبرالی دوران گذشته،^{۴۵} همراه با ناکامی‌های پیشین در ایجاد احزاب در ایران - که فقط به بروز مناقشات و رقابتهای فرقه‌ای شدید منجر شده بود - همگی از جمله عواملی بود که در ناتوانی مصدق در تشکیل حزب خودش مؤثر افتاد. از این‌ها گذشته، چنین می نماید که فرهنگ سیاسی ایرانیان برای تشکیل احزاب و جمعیت‌های گسترده و منسجم

● در زمانی که نواحی شمالی ایران در اشغال نیروهای اتحاد شوروی بود و حزب توده در سراسر آذربایجان فعالیت داشت، با صوابدید دولت شوروی و کمکهای مادی و معنوی آن، فرقه دموکرات در آذربایجان تشکیل شد.

ملی کشور ایران)^{۴۸} - کنگره کارگران - جبهه کار
... و

در خاتمه فقط به ذکر نام دیگر احزاب،
گروهها و جمعیت‌های سیاسی در فاصله سالهای
۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ بسنده می‌کنیم:

حزب ایران - آزادی - استقلال - آریا - امکا -
اراده ملی - اخوان المؤمنین - افق آسیا - احرار
ایران - انتقام - اتحاد - ترقی خواه - جنگل یا
(اجتماعیون) - خلق - مردم - ملت ایران - میهن -
میهن پرستان - وحدت ایران - هم‌رهان - عامیون -
جمعیت آزادی ایران - جمعیت آزادی مردم
ایران (جاما) - اتحاد اسلام - دوستان شما - رفیقان
- فدائیان ایران - عدالتخواه - فرزندان ایران -
مختلط ملی - ملی ایران - نگهبانان اسلام و ایران -
نهضت شرق - جمعیت نهضت ملی ایران -
وحدت ملی - جامعه تعلیمات اسلامی -
لیسانسیه‌های دانشسرای عالی - لیسانسیه‌های
دانشکده معقول و منقول - جامعه مسلمین -
مجمع مسلمانان مجاهد - انجمن تبلیغات
اسلامی - انجمن کمک به دهقانان ایران - انجمن
ملیون ایران - کانون خانوادگی قاجار - کانون
کشاورزان - سازمان جانسپاران و میهن پرستان
(جانسپاران میهن) - سازمان دفاع مشترک - فدائیان
ایران - فدائیان ایران و شاه - مقاومت ملی - نظارت
ملی - کمیته‌های سری انقلاب ایران -
هواخواهان بی‌طرفی بین‌المللی ایران - جبهه کار
- گروه آسیا (جمعیت مجاهدین) - گروه
مظلومین و ستم‌دیدگان ایران - گروه
وطن خواهان - نیروی ملی - نهضت خدایپرستان
سوسیالیست - اتحادیه کارگران و برزگران ایران -
اتحادیه کشاورزان ترقی خواه - اتحادیه مسلمین -
اتحادیه مسلمین ایران.

مآخذ و پی‌نوشتها:

۱. رضاخان در ۲۴ آذرماه ۱۳۰۴ در مجلس شورای
ملی مراسم تحلیف انجام داد و رسماً آغاز سلطنت
خویش را اعلام داشت.
۲. منظور از اندیشه‌های چپ، اندیشه‌های مارکسیستی -

که بتوانند با نظم و دوام کافی در راستای یک
برنامه و سیاست مشخص عمل کنند، مناسب
نبود و در واقع تلاش برای ایجاد سازمانهای
صنفي نیز هواداران چندانی نداشت.

مصدق مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت
را در چارچوب جبهه ملی پیش برد که هم از
لحاظ سازمانی و هم از نظر عقیدتی، تشکیلاتی
نامنسجم و نامشخص به‌شمار می‌رفت، و پس از
آن که به‌قدرت رسید نیز سعی نکرد جبهه ملی را
به یک حزب منسجم مبدل سازد و در واقع آن را
به‌حال خودرها کرد.^{۴۶} مصدق که بیشتر
در پی حفظ وجهه عمومی و سخنگویی از جانب
تمام افراد ملت بود، نمی‌خواست خود را درگیر
مناقشات فرقه‌ای یا ائتلاف‌های گروهی سازد،
بنابراین از ابراز تمایل مشخص نسبت به
گروه‌ها یا احزابی که پیروانش سازمان دادند،
خودداری نمود و حتی درصدد تقویت این
سازمانها و بهره‌برداری از آنها برنیامد.

البته مصدق برای ابلاغ نظریاتش به مردم از
رادیو و روزنامه‌ها استفاده می‌کرد؛ و سالیلی چون
احزاب «ایران» و «زحمتکشان»، اتحادیه‌های
صنفي گوناگون و دیگر مجامع رسمی و
غیررسمی که در بازار مستقر بودند نیز وجود
داشتند که رابط او و مردم به‌شمار می‌رفتند.
ولی فقدان تشکیلات حزبی گسترده باعث شد
که مصدق نتواند برای تحکیم حکومت خویش
پشتیبانی لازم را فراهم کند. سالها بعد در
(شهریور ماه ۱۳۴۱) مصدق ضمن نامه‌ای که از
احمدآباد به دکتر علی شایگان یکی از یاران
نزدیکش نوشت به این نکته مهم اذعان نمود:

«عقب ماندگی ما... به علت نداشتن
تشکیلات سیاسی و اجتماعی است، و این
نقصیه سبب شده که ایران عزیز آزادی و
استقلال خود را از دست بدهد و هیچ فرد ایرانی
نتواند کوچکترین اعتراضی بکند.»^{۴۷}

دیگر احزاب کم‌اهمیت‌تر در این دوره
عبارت بودند از: حزب پان‌ایرانیست - جمعیت
هواداران صلح - حزب سومکا (سوسیالیست

● حزب زحمتکشان با
هدف پشتیبانی از نهضت
ملی ایران و گردآوردن
نیروهای پراکنده مدافع
نهضت و بعنوان تشکلی در
برابر حزب توده سربرآورد؛
اما دیری نگذشت که
گرفتار دودستگی شد.
دکتر مظفر بقایی و یارانش
به مخالفت با دکتر مصدق و
نهضت ملی برخاستند و در
زمینه‌سازی کودتای
۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با دیگر
مخالفان مصدق همگام
شدند.

- افراطی می‌باشد.
۳. در سوم شهریور ۱۳۲۰، سفرای انگلستان و شوروی جداگانه یادداشت‌هایی تسلیم ایران کردند و اعلام نمودند که چون ایران - با وجود اعلام بی‌طرفی - در برابر متفقین سیاست مهمی در پیش گرفته است، ارتشهای آنها ناگزیر از ورود به ایران هستند. این زمان مصادف بود با نخست‌وزیری علی منصور در ایران.
۴. ۲۵ شهریور ۱۳۲۰.
۵. سالهای حکومت رضاشاه در حقیقت دورهٔ رکود سیاسی و حزبی در ایران از ابتدای استقرار مشروطه بود.
۶. گفتنی است که انتخابات دورهٔ سیزدهم مجلس شورای ملی در زمان رضاشاه انجام شده بود و هرچند مردم در آن زمان تقاضای تجدید انتخابات را داشتند ولی فروغی اعلام کرد که قوهٔ مجریه حق دخالت در انتخابات را ندارد و این دخالت خلاف قانون است!
۷. ر. ک: نوروزی، داوود - «حزب تودهٔ ایران ضرورت تاریخی میهن ما» حزب تودهٔ ایران از آغاز پیدایش تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷، حزب تودهٔ ایران، تهران، ۱۳۶۰، ص ۴۷.
۸. خامه‌ای، انور - خاطرات دکتر انور خامه‌ای، ج ۲، فرصت بزرگ از دست رفته، هفته، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۶. این حزب پس از اعلام موجودیت، هدف اساسی خود را مبارزه با فاشیسم عنوان نمود.
۹. سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۹۷. باید دانست که اصولاً توده‌ای‌ها با ملت‌گرایان سازگاری نداشتند زیرا برخلاف آنها که مخالف دخالت بیگانه در کشور بودند، اینان مطیع بی‌چون و چرای شوروی و مدافع منافع آن کشور در ایران بودند؛ همچنین ایشان با حرکت سیاسی - مذهبی نیز یکسره مخالف بودند زیرا اساساً با مذهب مخالف بودند.
۱۰. کاتوزیان، محمدعلی (همایون) - مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، به کوشش فرزانه طاهری، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲، ص ۶۴.
۱۱. جبههٔ آزادی ملت ایران (جاما) - گذشته چراغ راه آینده است، ققنوس، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۵۱.
۱۲. طبری، احسان - کژراهه، خاطراتی از تاریخ حزب توده، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶، صص ۱۷ و ۱۸.
۱۳. خامه‌ای، انور - همان کتاب، صص ۱۷ و ۱۸.
۱۴. جاما - همان کتاب، صص ۱۵۱ و ۱۵۲. به همین دلیل بود که عده‌ای از طبقات روشنفکر که تشنهٔ اصلاحات عمیق اجتماعی و اقتصادی بودند عضویت آن را پذیرفتند.
۱۵. همان کتاب، صص ۱۵۳ و ۱۵۴. (به نقل از روزنامهٔ سیاست).
۱۶. طبری، احسان - «رد اتهامات»، روزنامهٔ رزم، سال اول، شمارهٔ ۲۲، ۲۵ مرداد ماه ۱۳۲۲، ص ۱.
۱۷. مهدی‌نیا، جعفر - زندگی سیاسی رزم‌آرا، گیتی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۴۰۰.
۱۸. حزب دموکرات آذربایجان (به ریاست سیدجعفر پیشه‌وری، که وی در توطئه علیه نهضت جنگل نیز نقش داشت) و حزب دموکرات کردستان (به ریاست قاضی محمد، از اکراد مهاباد) از احزابی بودند که مقارن حضور نیروهای شوروی در ایران تا خروج کامل آنها با تقویت همه‌جانبهٔ این نیروها قدرت زیادی پیدا کردند تا جایی که تشکیل جمهوری خودمختار آذربایجان و جمهوری خلق کردستان را در مناطق مزبور اعلام داشتند. غاتلهٔ آذربایجان و کردستان چندی بعد، در پی خروج قوای شوروی از ایران با اعزام نیروهای ارتش مرکزی دفع شد (۱۳۲۵ ه.ش / ۱۹۴۶ م).
۱۹. جاما - همان کتاب، صص ۴۲۱-۴۴۷.
۲۰. سیر کمونیزم در ایران از شهریور ۲۰ تا فروردین ۱۳۳۶، با مقدمهٔ تیمور بختیار، کیهان، تهران، ۱۳۳۶، صص ۳۳ و ۳۴.
۲۱. به هنگام انجام انتخابات، سهیلی نخست‌وزیر و سیدمحمد تدین وزیر کشور بود.
۲۲. مطالعات سیاسی، مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۲.
۲۳. کیانوری، نورالدین - خاطرات نورالدین کیانوری، انتشارات اطلاعات، تهران، ج ۲، ۱۳۷۲، ص ۹۵.
۲۴. سعیدی، خسرو - ال‌هیار صالح، طلايه، تهران، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۴۲.
۲۵. روحانی (زیارتی)، حمید - نهضت امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۷۳.
۲۶. نجاتی، غلامرضا - تاریخ سیاسی بیست و پنج سالهٔ ایران (از کودتا تا انقلاب)، خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۰.

● نبود تشکیلات

حزبی منسجم موجب شد که دکتر مصدق نتواند برای پابرجا ساختن حکومت خود پشتیبانی لازم را فراهم آورد. او در سال ۱۳۴۱ ضمن نامه‌ای به یکی از یاران نزدیکش نوشت: «عقب ماندگی ما... به علت نداشتن تشکیلات سیاسی و اجتماعی است، و این نقیصه سبب شده که ایران عزیز آزادی و استقلال خود را از دست بدهد و هیچ فرد ایرانی نتواند کوچکترین اعتراضی بکند.»

۲۷. همان .
۲۸. کیانوری، نورالدین - همان کتاب، همان جا .
۲۹. نجاتی، غلامرضا - جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ج ۲، ۱۳۶۵، ص ۵۳ .
۳۰. کیانوری، نورالدین - همان کتاب، همان جا .
۳۱. این قرارداد در حقیقت قرارداد الحاقی به قرارداد ۱۹۳۳ م (۱۳۱۲ هـ.ش) ایران و انگلیس درباره نفت بود که در زمان نخست‌وزیری ساعد آغاز شد و بنا بود به موجب آن، ایران در مقابل فروش هر تن نفت به جای ۴ شلینگ قبلی ۶ شلینگ دریافت کند. فروش نفت در داخل ایران نیز ۲۵٪ ارزاتر از فروش آن در خارج کشور تعیین شد. ضمناً شرکت نفت موظف بود مبلغ ۵ میلیون لیره استرلینگ یکجا به ایران بپردازد. در مقابل این تعهدات، ایران نیز می‌باید تعهدات امتیاز نفتی ۱۹۳۳ را که به موجب آن حق بهره‌برداری از منابع نفتی ایران تا ۶۰ سال (۱۳۷۲) به کمپانی نفت انگلیس واگذار شده بود دوباره تأیید می‌کرد. ساعد این قرارداد را در پایان دوره ۱۵ به مجلس برد و برخلاف تصور او نمایندگان آن را تصویب نکردند و دولت ساعد مجبور به استعفا شد. از آن جا که نماینده انگلیس، «گس» و نماینده ایران، «گلشائیان» در این مورد به مذاکره پرداختند، این قرارداد به این نام معروف شد.
۳۲. به تاریخ ۲۲ مهر ماه ۱۳۲۸ خورشیدی .
۳۳. نجاتی، غلامرضا - همان کتاب، همان جا .
۳۴. کیانوری، نورالدین - همان کتاب، صص ۹۵ و ۹۶ . در سال ۱۹۴۷ م (۱۳۲۶ هـ.ش) ترومن، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده اعلام کرد که آن کشور حاضر است به کشورهایی که مایل باشند، کمکهای فنی، اقتصادی لازم برای جلوگیری از تسلط کمونیسم اعطاء کند. این دکترین به سیاست «سد نفوذ Containment Policy» نیز معروف شد و در کشورهایی چند از جمله ایران، ترکیه و یونان به اجرا درآمد.
۳۵. نجاتی، غلامرضا - همان کتاب، ص ۱۵۳ . براساس این دکترین که در سال ۱۹۵۷ م (۱۳۳۶ هـ.ش) از سوی آیزنهاور رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده اعلام شد، آن کشور آماده بود به آن دسته از کشورهای خاورمیانه که با خطر کمونیسم روبرو بودند با درخواست ایشان کمک نظامی کند.
۳۶. قاسمی، ابوالفضل - تاریخچه جبهه ملی ایران، حزب ایران، بی‌جا، ۱۳۶۷، ص ۴۷ .
۳۷. دو حزب «اراده ملی» و «عدالت» از جمله احزابی بودند که راه را برای متشکل شدن افراد و عناصر مخالف حزب توده باز کردند، هرچند نیروی انسانی متشکلی نظیر حزب توده نداشتند .
۳۸. در این دوره ۸ نفر از حزب توده به مجلس راه یافتند، مصدق نماینده اول تهران شد و آیتا... کاشانی نیز که در انتخابات به‌عنوان نماینده تهران انتخاب شده بود، چون هنوز از زندان متفقین آزاد نشده بود، به مجلس راه نیافت .
۳۹. جامی - همان کتاب، ص ۲۷۹ .
۴۰. پیشه‌وری، جعفر - تاریخچه حزب عدالت، علم، تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۶ .
۴۱. جامی - گذشته چراغ راه آینده است، ص ۲۸۵ .
۴۲. مهدی‌نیا، جعفر - همان کتاب، ص ۴۰۴ .
۴۳. این جمعیت معتقد بود که قوانین اسلام باید توسط حکومت به مرحله اجرا درآید و مراکز فحشاء و فساد جمع‌آوری شود. اعضای آن عقیده داشتند تنها از طریق مبارزه انتخاباتی و مطبوعاتی نمی‌توان به مبارزه با دشمن پرداخت؛ بنابراین به هنگام تشخیص ضرورت دست به اعدام انقلابی می‌زدند. ترور رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت که از مخالفان ملی شدن صنعت نفت ایران بود، توسط خلیل طهماسبی از فدائیان اسلام از جمله مهمترین ترورهای بود که باعث عقب‌نشینی مخالفان ملی شدن نفت در دولت و مجلس شد .
۴۴. «ما برای راستی و آزادی قیام کرده‌ایم»، روزنامه شاهد، سال دوم، شماره ۱۹۴، ۲۱ شهریور ۱۳۲۹، ص ۱ .
۴۵. ملکی، خلیل - «سرنوشت تاریخی لیبرالیسم»، مجله علم و زندگی، شهریور و مهر ۱۳۳۱، صص ۵۸۴، ۵۸۰ و ۶۶۷-۶۵۲؛ ملکی، خلیل - «علمی از نوپایید ساخت» - همانجا، دی و بهمن ۱۳۳۱، صص ۷۷۸-۷۶۹؛ ملکی، خلیل - «مبارزه با بزرگترین خطری که نهضت ملی را تهدید می‌کند»، همانجا، خرداد و تیر ۱۳۳۲، صص ۲۰۶-۲۰۳ و ۲۹۵-۲۹۱ .
۴۶. ر.ک: ملکی، احمد - تاریخچه ملی، بی‌نا، تهران، ۱۳۳۲ .
۴۷. بیل، جیمز؛ راجر لویس، - ویلیام - مصدق . نفت - ناسیونالیسم ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ کوه بیات، نشر نو، ج ۲، تهران، ۱۳۶۸، صص ۱۰۳-۱۰۲ .
۴۸. این فرقه سیاسی تا حدی تمایلات فاشیستی داشت .